

شبهی محصور ہے علم اجناس کثر و تکلیف منجز است ہے احتیاط
 رأی مشہور در شبہات تحریر
 مقرون بہ علم اجناس
 شبہ غیر محصور ہے علم اجناس منجز نیست .

شبهی محصور

دلیل بر صحت اطلاق شامل علم اجناس است . ←
 مقتضای قاعدہ اولیہ ←
 مقتضای قاعدہ ثانویہ ←

مقتضای قاعدہ اولیہ : مقتضی موجب است مخالفت قطعہ ← ترک اطراف علم اجناس
 مانع عمل وجود ندارد .

شبہ غیر محصور ← علم اجناس غیر منجز است
 زیرا ← عسر و حرج

① آقضاء (مصلحت و مفیدہ)

② اشاء و وضع قانون

③ فعلیت

④ تنجیز

مر احل حکم
 از نظر آخوند

از نظر آخوند ، فعلیت تکلیف ، موضوعیت دارد ، هر جا فعلیت تمام وجود داشته باشد ، باید احتیاط کرد .

لیہ موانع فعلیت تکلیف : عسر و حرج / اضطرار / برخص از اطراف علم اجناس از دایرہ عمل خارج شود .
 اضلال نظام

اقل و اکثر
 استثنائی ← دو تکلیف وجود دارد ، سے علم تفصیل بہ ما نیاز قضا و اجناس بہ نماز .
 ارتباطی ← یک تکلیف وجود دارد ، سے نماز الجزئی و نماز ما جزئی .

عقلاً ← احتیاط

شرعاً ← برائت

نظر آخوند در مورد اقل و اکثر

علم اچالی

উপসংক্ষেপ : ১ নম্বর (৭)

مفاسد و مصالح در متعلق احکام
عدم وجود مفاسد و مصالح ذاتی

مقدّمه: افعال تنوين وتكرار

• C_{10}H_8 $\text{H}:\text{C}_{10}\text{H}_8$

مقدمه ۲: همه اصولیون قائل به احتیاط هستند
شک در عمل غرضاً = احتیاط
در ۶۲

۱. شکل در معادله غرض = احصای ط

وقتۀ فائز به مقاصد و مصالح احکام باشیم، خواهیم دانست که وضع احکام با غرض خاص از طرف خداوند بوده است. حال وقتۀ شک داریم در این که بین اعلیٰ و اکثر، با اتیان کدام یک غرض حاصل می شود، پس باید احکام را کرد.

* آخوند از لحاظ شرعی، برائت را جاری می‌کند. در این جا تعارض به وجود می‌آید. چون تنافی بین عمل و شرع است. مبنای شرعی قابل قبول است؛ لذا برائت میان اهل و اکثر نیست به اکثر جاری می‌شود.

استمحاء : ابقاء ما كان .

سبق زمان یقین

بقدر سابق (وجود یقین)

شک راجع (وجود شک)

فعلیت یقین و شک

تعدد زمان متيقن و مسلوك

وحدت متعلق متیقن و مشکوک (وحدت موعود)

05/05/2019 (6/1)

زمانی که تعدّد زمان متیقّن و مشکوک وجود نداشته باشد.

- مثال:
- یقین به ارتکاب جرم در سال ۱۳۸۵ => مجرم
 - شک در ارتکاب جرم در سال ۱۳۸۵ => مستریم (عدم مجرمیت)

بناء عقلاء

دلیل عقلی ظن آکو

تعبیدی (اضمار و روایات)

اجماع

اولی حجت
استصحاب

وجودی یا عدوی

حکمی و موضوعی

از جهت مستصحب

تقسیم استصحاب

از جهت دلیل یقین سابق

استصحاب عقلی => حکم عقلی را استصحاب کنیم

استصحاب شرعی => حکم شرعی را استصحاب کنیم

از جهت منشأ شک لاحق

شک در مقتضی

شک در اقتضا و دوام و قابلیت

مثال شک در عقد نکاح

شک در رافع

شک در وجود رافع

شک در رافعی رافع

آنچه باعث انقطاع مقتضی می شود
مثال طلاق نسبت به نکاح

تنبیهات

۱. فعلیه شک و مثال

۸ صبح

یقین به حدیث

عافل

فناظر ظاهر

شک به این که آیا در زمان عقلیت و حضور گرفته یا نه

* قاعدوی فراغ مقدم بر استصحاب است.

۲. استصحاب کلی (*)

قسم اول: منشأ شک ← شک در بقای فرد خاص (زید) ← جبران استصحاب جزئی و استصحاب کلی (انسان) (زید)

قسم دوم: منشأ شک ← مردّد بین دو چیز ← قسّم البقاء
 ← استصحاب کلی ← مطلق الوجود

قسم سوم: منشأ شک ← وارد شدن یا وجود فرد دیگر از کلی ← استصحاب کلی

اصل مثبت

یعنی فقط در استصحاب موضوعی تحقق پیدا می کند.

استصحاب موضوعی

- استصحاب فقط اثر شرعی دارد. (مثل وضو) ← جبران استصحاب
- مستحب فقط اثر غیر شرعی (عقلی یا عادی) دارد ← عدم جبران استصحاب
- مستحب فقط اثر شرعی دارد و آن اثر شرعی، واسطه اثر غیر شرعی است. ← جبران استصحاب
- مستحب دال بر اثر غیر شرعی است و آن غیر شرعی، واسطه اثر شرعی، ← اختلاف و نزاع

اصل مثبت

سؤال ۲: فردی قبل از بلوغ ریش نداشته. بعد از چند سال شک می کنیم آیا الان ریش دارد یا نه؟! چون اثر غیر شرعی است و استصحاب در مورد آثار شرعی جبران دارد، استصحاب امکان ندارد.

سؤال ۳: شوهر یک زن مفقود الاثر شده. بعد از ۱۰ سال شک می کنیم آیا همچنان واجب التکلیف است یا نه. اگر واجب التکلیف باشد، رابطه با مرد دیگر بر او حرام است.

سؤال ۴: فردی نذر می کند اگر فرزندی ریش در آورد، صدقه می دهد. فرزند او گم می شود. پس از چند سال شک می کند آیا نذر او ریش دار شده و نذر او جبران می یابد یا نه.

**** استصحاب یک اصل شرعی است. اما یک سری اعمال، عقلی است و حوزوی حکومت شارع نیست.**

**** اما ران، ثبت آثار و احکام عقلی هستند ولی اصول عقلی، ثبت آثار و احکام نیستند.**

حجت اخیان و روایات از باب بناء عقلا است.

دلیل لُغی است > قَدَرِ قَلْبِ آن، عدم تعارض است.

قاعدۀ اولیہ: اِذَا تَعَارَضَا تَسَاقَطَا.

موصی (وصیت کننده) ← وصی (مخبر وصیت)

موصی به (آن ضری که به آن وصیت می شود)

موصی له (کسی که به او وصیت می شود)

تا زمان بلوغ صغیر ← تصرف استقلالی کبیر

با بلوغ صغیر ← انضمام کبیر و صغیر

کبیر + صغیر
←
وصی

اگر در زمان بلوغ صغیر، صغیر مجنون شود، آیا استعی به تصرف استقلالی کبیر می تواند کرد؟
شد گنیم / شده یا نه

← استعیاب نوع سوم است. در این حالت استعیاب کلی برقرار است. یعنی تصرف استقلالی کبیر هم میان جاری است. کسانی که قائل به استعی به نظر نوع سوم نیستند، کبیر و حاکم شرع را منضم می کنند.

اصل عدم ← استعیاب عدمی

اصل مثبت: استعیاب ————— اثر عقلی یا عادی ← آثار شرعی

اصل اگر بر مبنای اصل عدم، حیات مردی استعی به شود، همسر او مرتکب زنا شود، زنانش او محضنه است و بر مبنای اصل مثبت محضنه نیست.

کاهش قیمت

عقد

زمان مشخص

زمان مجهول

عقد قبل از کاهش قیمت $\Rightarrow$ عدم خیار
 عقد بعد از کاهش قیمت $\Rightarrow$ خیار غبن مشتری

طبق اصل $\leftarrow$ استصحاب عدم وقوع عقد $\Rightarrow$ عدم وقوع عقد قبل از کاهش قیمت
 اثر علی $\leftarrow$ عقد بعد از کاهش قیمت

اگر قائل به اصل مثبت باشیم $\leftarrow$ خیار غبن
 اگر قائل به اصل مثبت نباشیم $\leftarrow$ عدم خیار

فروش زمین توسط وکیل به مشتری $\Rightarrow$ زمین در ملک مشتری
 مالک --- وکیل $\leftarrow$ وکالت ازین رفته
 مقید

استصحاب عدم ملک مشتری $\leftarrow$ مسببی
 استصحاب بقای وکالت $\leftarrow$ سببی } شک

$\leftarrow$ اولویت سبب بر مسبب ؛ استصحاب بقای وکالت جاری است .